

## جادو در فرهنگ ایران بخش پنجم: سفره ی هفت سین از دکتر عباس احمدی

یکی از مراسم نوروز در ایران، پهن کردن سفره ی هفت سین است. برای کند و کاو در این آیین، از عصر علم به عصر مذهب و از عصر مذهب به عصر جادو می رویم.

### ۱ - سفره ی هفت سین

سفره ی هفت سین تشکیل شده است از: سبزه، سکه، سیب، سیر، سنجد، سرکه، و سمنو. در مقاله ی پیش نشان دادیم که سبز کردن سبزه نوعی جادوی تقلیدی برای سبز کردن طبیعت است. سوال ما این است که نقش شش سین باقیمانده در سفره ی هفت سین چیست و اصلاً چرا سفره ی هفت سین می اندازیم؟ به عقیده ی ما، از این شش سین باقیمانده، چهار سین آن یعنی سکه و سیب و سیر و سنجد کارکردی شبیه به سبزه دارند و نوعی جادوی تقلیدی به شمار می روند. دو سین دیگر یعنی سرکه و سنجد کارکرد دیگری دارند و نوعی جادوی سرائیتی محسوب می شوند.

\*\*\*

از سکه شروع می کنیم. سکه را برای آن روی سفره ی هفت سین می گذارند، تا طبیعت را مجبور کنند از این عمل جادویی تقلید کرده و سکه های زیادی به آنها بدهد. سیب را برای آن در سفره ی هفت سین می گذارند تا طبیعت به تقلید از آنها، درختان آنها را پر میوه و بارور کند. سیر و سنجد را برای آن در سفره ی هفت سین می گذارند تا طبیعت به تقلید از آنها، بوته های سیر و درخت سنجد و به طور کلی گیاهان آنها را بارور و پر میوه کند.

\*\*\*

حساب سرکه و سمنو از بقیه ی سین ها جداست. این دو سین بر خلاف آن پنج سین دیگر مربوط به جادوی سرائیتی است. سرکه، آب انگور تخمیر شده است. درخت انگور مظهر باروری و برکت است. آب انگور به منزله ی خون این روح نباتی است. بنابراین، سرکه را برای آن در سفره ی هفت سین می گذارند تا خون برکت دهنده ی این روح نباتی از راه جادوی سرائیتی به آنها سرایت کند و آنها را بارور و پربرکت کند. سمنو از گندم درست می شود و می دانیم که گندم نیز مانند درخت انگور مظهر باروری و برکت است. سمنو به منزله ی جسد و پیکر این روح نباتی است. با خوردن سمنو، آنها این جسم مقدس را می خورند و از راه جادوی سرائیتی، خاصیت بارور کننده ی آن را به خود منتقل می کنند. سمنو و سرکه مانند نان و شراب در بعضی از ادیان است و همان کارکرد را دارد. سمنو نقش نان مقدس و سرکه نقش شراب مقدس را بازی می کند. می دانیم که مردم با خوردن نان و شراب در آیین های مذهبی می خواهند بعضی از صفات ایزدی را از ایزد به خود منتقل کنند. در این جا پراتنزی باز می کنیم و نمونه ای از این مراسم خوردن نان و شراب را در مورد بابک خرم دین می آوریم.

### ۲ - بابک خرم دین و آیین جادویی نان و شراب

رهبر جنبش خرم دینان، مردی به نام جاویدان پسر شهرک بود که در استان آذربایجان در کوه های بد مسکن داشت. جاویدان مدعی بود که روح جاویدان در کالبد او حلول کرده است. کلمه ی جاویدان یعنی دایم و باقی. جاویدان در یکی از جنگ هایی که با اعراب می کند زخمی می شود و پس از سه روز می میرد. بابک که یکی از سربازان او بود با زن جاویدان ازدواج می کند و ادعا می کند که روح جاویدان در بدن او حلول کرده است و رهبر نهضت خرم دینان می شود. مراسم انتقال رهبری به بابک را از زبان ابن الندیم در کتاب سیاست نامه، صفحه ی ۳۴۴، می آوریم: « زن جاویدان گاوی

ماده خواست و روی آن طشتی پر از شراب نهاد و نانی را پاره کرد و در کنار طشت گذاشت. بعد مردم را یک یک خواند و گفت: با پایت پوست را بکوب و تکه نانی بردار و آن را در شراب فرو بر و بخور و بگو ای روان بابک به تو ایمان آوردم همچنان که به روان جاویدان ایمان آورده بودم و بعد دست بابک را بکمر و خم شو و آن را ببوس. همه چنین کردند تا هنگامی که طعام برای او آماده شد. بعد ایشان را برای طعام و شراب خواند. بابک را بر بستر خود نشاند و آشکارا با او نشست. چون شراب خوردند، دسته ای ریحان برداشت و آن را سوی بابک دراز کرد و بابک آن را از دست گرفت و این آداب زناشویی ایشان است. پس مردم برخاستند و راضی از این تزویج، به آن دو فروتنی کردند.» در این جا می بینیم که اولاً رهبر با عالم غیب ارتباط دارد و دارای روح مقدسی است که هیچ گاه از بین نمی رود و از یک رهبر به رهبر دیگر حلول می کند. این نسخه دیگری از آیین خسروانی شاهان ایرانی است که مدعی بودند دارای فره ی ایزدی اند. رهبر و یا شاه، نمونه ی زمینی ایزدان پنداشته می شدند. ثانیاً، در نهضت خرم دینان، به پیروی از سنت های مادر سالارانه، گرچه مردان شاه می شدند، اما مقام خود را از طریق ازدواج با ملکه به دست می آوردند. همان طور که بابک با زدواج با زن جاویدان، مقام شاهی را به دست آورد. ثالثاً، می دانیم که گاو ماده مظهر باروی و برکت است و شراب نیز خون ایزد باروری و نان کالبد این ایزد است. خوردن نان و شراب در مراسم به تخت نشستن بابک، یک نوع جادوی سرایتی است تا از طریق آن، بعضی از صفات ایزدی رهبر به مردم منتقل شود. رابعاً، داستان شاه شدن بابک شبیه به آیین جادویی و دیرینه ی «شاه کشی» است. در این جا نیز شاه پیری وجود دارد که کشته می شود و جوانی با ملکه ازدواج می کند و بر تخت شاهی می نشیند. در این داستان نیز، روح مقدس و جاویدان ایزدی از شاه کشته شده به شاه جوان «منتقل» می شود.

### ۳ - کوزه شکستن و قربانی کردن آدمیزاد

در مقاله های پیش از مراسم شکستن کوزه در شب چهارشنبه سوری صحبت کردیم و گفتیم که در آن مراسم، مردم درد و بلای خود را از راه جادوی سرایتی به کوزه منقل می کنند و کوزه را از پشت بام به کوچه می اندازند تا به این ترتیب رنجوری و بیماری را از خانه ی خود دور کنند. در این جا پراتنزی راجع به کوزه باز می کنیم و به نقش کوزه در فرهنگ ایران می پردازیم. کوزه در فرهنگ ایران نماد و سمبول و مظهر انسان است. به این رباعی از خیام توجه کنید:

این کوزه چو من عاشق زاری بوده است

در بند سر زلف نگاری بوده است

این دسته که بر گردن او می بینی

دستی است که بر گردن یاری بوده است

خیام در این رباعی، کوزه را به انسان تشبیه کرده است و دسته ی او را با دست انسان مقایسه نموده است. می توان تصور کرد که در عصر جادو در بین وحشیان بومی ایران، مراسم شکستن کوزه به صورت خونین تری برگزار می شده است. می توان حدس زد که در نسخه ی بدوی این آیین جادوی، وحشیان ایرانی به جای کوزه از انسان واقعی استفاده می کرده اند. آن ها، قربانی بخت برگشته را مجبور می کردند که چند بار به دور آن ها بگردد و از این راه، درد و بلای خود را به او منتقل می کردند. سپس، او را به قتل می رساندند و قربانی می کردند. هنوز هم در بین عوام مصطلح است که می گویند: «دورت بگردم! درد و بلات بخوره به سرم!» دور کسی گشتن و درد و بلای کس دیگر را به خود منتقل کردن نوعی جادوی سرایتی است که در آن از اصل جادویی تماس و سرایت استفاده شده است. کم کم، در این مراسم وحشیانه، کوزه جای آدم را گرفته است. آیین «کوزه شکستن» نسخه ی بهداشتی شده ی آیین وحشیانه ی

«قربانی کردن انسان» است. از مطلب خود زیاد دور افتادیم، بنابراین همین جا پراتنزی را که باز کرده بودیم می بندیم. اما پراتنز دومی راجع به آیین «دور کسی یا چیزی گردیدن» باز می کنیم.

#### ۴ - آیین جادویی دورت بگردم

این آیین جادویی دو بازیگر دارد: یکی که در مرکز دایره است و دیگری که در محیط دایره به دور او می گردد. درد و بلا و بیماری از کسی که در مرکز دایره است، طبق نیروی گریز از مرکز، به آن کس که دور او می گردد «منتقل» می شود. این جادوی سرایتی دارای دو شکل دیگر نیز هست.

۱ - در شکل اول، در مرکز یک نفر آدم قرار دارد، ولی در محیط دایره، جسم بیجان، مانند سکه، قرار دارد که به دور او می گردد. درد و بلا ی آن آدم، طبق قوانین جادوی سرایتی، به سکه منتقل می شود. سپس سکه ی حامل درد و بلا را از خود دور می کنند و به گدا می دهند تا درد و بلا ی آن ها از طریق سکه به شخص دیگری منتقل شود. گاهی به جای سکه، دانه های اسپند را دور سر خود می چرخانند تا درد و بلا ی آن ها به دانه های اسپند منتقل شود. سپس دانه های جادویی اسپند را در آتش می اندازند تا درد و بلا ی آن ها بسوزد و از بین برود.

۲ - در شکل دوم این آیین جادویی، در مرکز دایره، جسم بیجان مانند بت قرار دارد و بت پرست در محیط دایره به گرد بت می گردد. در این جا، نیروی باروری و برکت از بت که در مرکز دایره است به بت پرست که در محیط دایره به دور بت طواف می کند منتقل می شود.

گاهی این دایره ی جادویی به شکل یک میدان بزرگ در وسط شهر بنا می شود و در مرکز دایره، به جای بت، مجسمه و یا ساختمان بزرگی مانند بنای شهیاد قرار دارد. عابر پیاده و یاسواره، در محیط میدان به دور بنای یادبود می گردد و یک نیروی جادویی و غیبی از ساختمان مرکز میدان، طبق قوانین جادوی سرایتی، به عابر که دور میدان در حال طواف است منتقل می شود.

گاهی به جای مجسمه یا بنای یادبود، حوض پر آبی در وسط دایره ی جادویی میدان می سازند. می دانیم که حوض آب، مظهر ایزدبانوی باروری و برکت است. عابر پیاده، مانند بت پرستی که به گرد بت طواف می کند، به دور حوض می گردد تا نیروی باروری و برکت، طبق قوانین جادوی سرایتی، از حوض به او منتقل شود.

اصولاً، معماری بسیاری از میدان ها ی شهر های امروزی، نسخه برداری از دایره ی جادویی آیین «دور گشتن» است. مردم نیز ناخودآگاه، سواره یا پیاده، روزی چندین بار این آیین جادویی را تکرار می کنند. این دایره ی جادویی در معماری سنتی ایران نیز به کار رفته است. می دانیم که در خانه های قدیمی، حیاط خانه را به شکل دایره می ساختند و حوض آبی در وسط آن قرار می دادند. این نوعی پرستشگاه و معبد خانگی برای پرستش الهه ی آب و باروری است. در باغ ها و پردیسان های ایرانی نیز این دایره ی جادویی و آن آب نمای مقدس، رعایت شده است. حتی در نقش استیلیزه شده ی قالی های ایرانی، ترنجی که در مرکز قالی است سمبول و نماد و مظهر همان حوض مقدس مرکز آن دایره ی جادویی است. از مطلب خود زیاد دور افتادیم، بنابراین همین جا پراتنز سومی را که باز کرده بودیم می بندیم. و پیش از آن که پراتنز چهارمی باز شود مقاله ی خود را به پایان می بریم.

#### نتیجه گیری

۱ - پنج سین از هفت سین، یعنی سبزه و سکه و سیب و سیر و سنجد، نوعی جادوی تقلیدی برای باروری و برکت به شمار می روند.

۲ - دو سین از هفت سین، یعنی سرکه و سنجد نوعی جادوی سرایتی محسوب می شوند.

۳ - آیین شکستن کوزه می تواند نسخه ی بهداشتی شده ی آیین های خونین قربانی کردن انسان باشد .

۴ - آیین جادویی «دورت بگردم» نوعی جادوی سرایتی است که در سنت دود کردن اسپند و در آیین چرخیدن بت پرست به دور بت و مراسم رقصیدن مریدان به دور مرشد دیده می شود

\*\*\*

**NewYear5.vnf**  
**abbas.ahmadi@mailcity.com**